اهمیّت نام گذاری و برخی نام های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

پدید آورنده : علی مختاری ، صفحه 2

عصاره فضایل پیامبران به صورتی تکامل یافته در حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) وجود دارد و در صفات و اسمائش تجلّی می کند.

آشنایی با نام و نشان و اوصاف منصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله) فوایدی دارد، هم باعث معرفت بیشتر می شود، هم امکان تخلّق به صفات انبیاء (علیهم السلام) را در پیروان، فراهم می سازد و هم در نام گذاری ها، کمک می کند تا جامعه اسلامی احیاگر ارزش های خودی باشد و به زیّ و شیوه اسلامی رفتار کند و در موارد مناسب، از نام های ارزشی بهره ببرد نه از نام های بیگانگان و دشمنان.

اهمیت نام گذاری

امروزه موضوع نام گذاری در فرهنگ ما، موضوعی قابل بررسی و اهتمام است، از طرفی خیل گسترده ای از فرزندان اسلام به نام های پوچ دلخوشند و آگاهانه یا بی توجه، مروّج فرهنگ بیگانه در خانه خویشند. از سوی دیگر برخی متدیّنان بر هر مؤسسه ای از نام های مقدس بدون تناسب و بی جا استفاده می کنند.

آشنایی با نام ها و صفات معصومان (علیهم السلام) بر غنای واژگانی فرهنگ اسلامی می افزاید و قافیه و زاویه را می گستراند تا در آفاقی وسیع و با دستی پُر، به صورتی متناسب، از نام های مقدّس بهره ببریم و خویش را از تهاجم فرهنگی بیگانه صیانت بخشیم.

پیشینه برخی نام های پیامبر (صلی الله علیه وآله)

پیشینه برخی از نام های پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) همزمان با آفرینش است، که مورد توسّل حضرت آدم و بشارت های پیامبران (صلی الله علیه و آله) بوده است. قرآن کریم درباره آن حضرت می فرماید: «الذین یَتَّبِعُون الرسُولَ النَبِیَّ الاُمّیَ الذی یَجدُونَه مکتوبا عندهم فی التوراة و الانجیل...»؛ «مؤمنان متّقی کسانی هستند که از آن پیامبر امّی پیروی می کنند که نزدشان معرّفی شده و مکتوب است در تورات و انجیل و...».

حضرت عیسی (علیه السلام) نیز با تصریح به اسم احمد، به او بشارت می دهد: «و مُبَشِرا برسول یأتی مِن بَعدِی اسمُهُ احمد».

صفات منصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله) آینه فضائل آن حضرتند به جز چند مورد که حروف مقطعه قرآن مثل «طه» «یس» «ن» بر آن حضرت تطبیق شده است، اگر چه اینها نیز به نوعی به فضیلتی اشارت دارند.

گفتنی است نام های پیامبر (صلی الله علیه و آله) از قداستی والا برخوردارند و فقهای شیعه مَس آن ها را بی وضو، حرام و بعضی مکروه می دانند.

2. نام نیکو

در اسلام سفارش شده است که بر فرزندان نام نیکو بگذارید. امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می فرماید: «اِستَحسِنُوا أسماءکم فَانَّکُم تُدعَونَ بها یَومَ القِیامَة...»؛ «نام هایتان را نیکو و زیبا انتخاب کنید؛ زیرا در قیامت به همین نام ها فرا خوانده می شوید.»

آن حضرت به امام علی (علیه السلام) می فرماید: «یا علیُّ، حقُّ الوَلدِ عَلی والده اَن یُحَسِّن اسْمَه و أدبَه وَ یَضَعَهُ مَوضِعا صالِحا»؛ «حقّ فرزند بر پدرش نام گذاری نیکو است و قرار دادنش در جایگاه و مسیری شایسته برای تربیت اسلامی».

3. بهترین نام ها

بهترین نام ها آن است که نشانه بندگی خدا باشد. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «أصدقُ الاسماء ما سُمِّیَ بالعُبُودیّة وَ أفضَلُها أسماءُ الانبیاء»؛ «راست ترین و پر محتواترین نام ها برای انسان، واژه هایی است که نشانه عبودیّت باشد و برترین نام ها، نام های پیامبران است.»

از این رو می توان گفت بهترین نام ها نام های برترین پیامبر است. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت است: «ما مِن مائدة وُضِعَت فَقَعَدَ عَلَیها مَن اسمه محمّد أو أحمد إلاّ قُدِّس ذلکَ المَنزلُ فی کُلّ یَومٍ مَرَّتَینِ»؛ «هیچ سفره ای گسترش نمی یابد که بر آن اشخاصی با نام محمد یا احمد بنشینند مگر آن که آن منزل روزی دوبار تقدیس و تنزیه می گردد.»

سیره حضرت در اصلاح نام ه

هرگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) شخصی یا گروهی را می دید، از نامشان و یا نام سر گروه پرس و جو می فرمود، اگر نام نامناسبی داشتند تغییر می داد. عبدالله بن سلام می گوید: نام من در جاهلیت، «غیلان» بود، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نام «عبدالله» را بر من نهاد. غیلان جمع غول به معنی بزرگ اجنّه است.

ابن حارث ابن جزء گوید: دوستی داشتیم مسلمان شده بود و از دنیا رفت، وی غریب و بی کس بود، هنگام خاکسپاری اش پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: نامت چیست؟ عرض کردم «العاصی» به ابن عمر هم گفت: نامت چیست؟ او هم جواب داد: «العاصی» از شخصی دیگر هم که عاصی نام داشت پرسید، او نیز گفت: «العاصی» آن گاه حضرت فرمود: «نام شما از این پس «عبدالله» است». ما رفیق خود را دفن کردیم و برگشتیم با نام عبدالله به این امید که بندگان خدا باشیم.

ابو هریره هم می گوید: نامم «عبدشمس» بود و حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مرا «عبدالرحمن» نامید.

عبدالرحمن بن عوف هم گفته است نامم «عبد عمر» بود پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نامم را «عبدالرحمن» نهاد.

«حباب» نام شیطان است، و در روایت است که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از فرزند أبی سلول پرسید: «نامت چیست؟» پاسخ داد: پدرم مرا «حباب» نامیده است. حضرت فرمود: حباب نام شیطان است و تو عبدالله هستی.

نیز امام صادق (علیه السلام) به عبدالملک بن اعین فرمود: «چه طور نام فرزندت را ضریس گذاشتی؟ او پاسخ داد: چگونه نام شما را جعفر نهادند؟ حضرت فرمود: جعفر، نهری است در بهشت ولی ضریس نام شیطان است.

ابن قرط ازدی پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد، آن حضرت از نامش پرسید، پاسخ داد: «شیطان ابن قرط» حضرت فرمود: «أنت عبدالله بن قرط».

سزاوار نیست انسانی که اشرف مخلوقات است نام های پست بر خود نهد یا نام چارپایانی که همّ و غمّ آن ها شکم و شهوت یا درّنده خویی است؛ گر چه عرب ها از این نام گذاری ها انگیزه های معقولی نزد خود داشتند ولی با اهداف اسلامی که پیامبرش برای تکمیل مکارم اخلاق آمده است، بسیاری از نام ها تناسبی ندارد، از این رو آن حضرت نام های حیوانات را هم از انسان ها بر می داشت. به شخصی فرمود: «نامت چیست؟» پاسخ داد: «غراب»؛ یعنی کلاغ. حضرت فرمود: «أنتَ مُسلم»؛ تو «مسلم» نام داری.

از دیگری پرسید، او جواب داد: «عتلة» حضرت فرمود: بلکه تو عتبه هستی.

(عتله به معانی ذیل آمده است: کلوخ بزرگ، آهنی مانند سر تبر، چوب دستی بزرگ، دیلم، تیشه، گاو یا شتر ماده که هرگز آبستن نشود و... و عُتبه یعنی پیچ و خم رودخانه.)

به دیگری فرمود: نام تو چیست؟ جواب داد: «تَغَم»، فرمود: «بل عبداللّه».

ماجرای جُنَیدَب

زمانی که صحابه بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جمله ابوذر راستگو، به مظالم چپاولگران بیت المال معترض شدند، روزی ابوذر به عثمان وارد شد، او به ابوذر گفت: خدا خیرت ندهد، بد بلایی شدی بر جان ما ای جنیدب!

ابوذر پاسخ داد: «أنا جُنیدَب، وَ سَمّانی رسولُ اللّه عَبد اللّهِ، فاخترتُ اسم رسول الله الَّذی سمّانی به علی اسمی»؛ «من جنیدب بودم ولی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) مرا عبدالله نامید و من هم نامی را که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر من نهاد اختیار و انتخاب کردم.» عثمان گفت: تو همان کسی هستی که به اشتباه فکر می کنی من می گویم: «اِن ید الله مغلولة»؛ «دست خدا بسته است و خدا نیازمند و ما بی نیازیم؟» ابوذر گفت: اگر چنین پنداری نداشتی، انفاق داشتی...

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بسیاری از نام های زشت مثل «ازحم» «جزن» «حرام» «ضرار» را تبدیل می کرد، و این سیره منحصر به نام اشخاص نبود و درباره آبادی ها، سرزمین ها نیز متداول بود. سرزمینی نام «عفره» یعنی «خاک» داشت، آن را «خضرة»؛ یعنی «سبزه زار» نامید.

آن حضرت نام های بد را معرفی و مذمت می کرد تا کسی از آن ها استفاده نکند. روایت است که فرمود: «شَرُّ الاسماءِ ضِرارُ، و مُرّةُ و حَربُ، و ظالمُ»؛ «بدترین نام ها «ضرار»، «مرّة»، «حرب» و «ظالم» است.»

توسل به نام پیامبر و آل

در روایات متعددی آمده است که پیامبرانی چون نوح و آدم به نام خاندان عصمت متوسل شده اند. داستان پیدا شدن پاره های کشتی نوح که نشان می داد با توسل به نام های پنج تن، از خدا مساعدت و یاری خواسته بود، نیاز به شرح ندارد. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

یک یهودی خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمد و به حضرت به تندی نگاه کرد، حضرت فرمود: ای یهودی چه حاجتی داری؟ پرسید: تو برتری یا موسی بن عمران پیغمبری که خدا با او تکلم کرد و تورات و عصا به او داد و دریا را برابرش شکافت و با ابر بر سرش سایه انداخت؟

پیامبر فرمود: «تعریف از خود کردن ناگوار و بر انسان دشوار است، ولی من این را می گویم: «إنّ آدَمَ لَمّا أصابَ الخَطِیئةَ کانَت تَوبته أن قال: اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِحق محمدٍ وَ آل محمدٍ لما غَفَرتَ لی، فَغَفَر هالَهُ، و إنّ نوحا لمّا رَکِبَ السفینة و خافَ الغَرقَ قال: اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِحَقِ محمّد و آل محمّد لَمّا أنجَبَتِنی مِنَ الغَرَقِ، فَأنجاهُ اللّهُ مِنهُ، وَ إنّ إبراهیمَ لمّا ألقِی فی النّار، قالَ: اللّهُمَّ إنَّی أسألُکَ بِحَقِّ محمّد وَ آل محمّد لَمّا انجیتنی منها، فَجَعَلها الله علیه بَرْدا و سَلاما، و إنّ موسی لمّا اَلقی عَصاهُ وَ أوجَسَ فی نَفسِهِ خِیفَةً قال: اللّهُمَّ إنِّی أسألُکَ بِحَقِّ محمّدٍ وَ آلِ محمّدٍ کَما آمَنْتَنی، فَقالَ لَهُ اللّه عزّوجلّ: لا تَخَف إنَّکَ أنتَ الاعلی...».

«چون آدم گناه کرد توبه اش این بود که گفت: خدایا تو را به حقّ محمد و آل محمد، خواهش می کنم مرا بیامرزی، و خدایش آمرزید. و چون نوح بر کشتی سوار شد و از غرق گشتن ترسید، گفت: خدایا از تو می خواهم به حق محمد و آل محمد که مرا نجات دهی، و خدا او را نجات داد و چون ابراهیم را به آتش افکندند، گفت: خدایا، به حق محمد و آل محمد مرا از آن نجات ده و خدا آن را بر او سرد و سلامت کرد، و چون موسی عصا افکند و از آن ترسید، گفت: خدایا از تو می خواهم به حق محمد و آل محمد که مرا امان دهی و خدای - جلّ جلاله - فرمود: مترس تو برتری. ای یهودی! اگر موسی مرا ادراک می کرد و به من ایمان نمی آورد، نه ایمانش سودی داشت و نه نبوتش...»

پی نوشت ها:

1. سوره اعراف () آیه 157.

2.سوره صف (61) آیه 6.

3. فروغ کافی، ج 6، ص 19، ج 10، وسائل الشیعة، ج 21، ص 389، ح 27375.

4. الفقیه، ج 4، ص 269، ح 824.

5. کافی، ج 6، ص 18، ح 1.

6. صحیفة الرضا (علیه السلام)، ص 88، ج 20؛ عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 29، ح 31.

7. أسماء الرسول المصطفی، ج 1، ص 77.

8. همان، نقل از مجمع الزوائد، ج 8، ص 53.

9. اسماء الرسول المصطفی، ج 1، ص 78، نقل از مقدمه فتح الباری، ص 241.

10. مجمع الزوائد، ج 8، ص 53.

11. اسماء الرسول، ج 1، ص 78، نقل از تصحیفات المحدثین، ص 412.

12. رجال الکشی، ج 2، ص 412، ح 2،3؛ وسائل الشیعه، ج 21، ص 399، ح 27404.

13. مجمع الزوائد، ج 8، ص 51.

14. همان، ص 51.

15. همان، ص 53.

16. فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج 2، ص 1220.

17. اسماء الرسول المصطفی، ج 1، ص 80 به نقل از مجمع الزوائد، ج 58، ص 55.

18. شرح نهج البلاغة ابن أبی الحدید، ج 3، ص 55.

19. بحار، ج 101، ص 130، ح 21.

20. أسماء الرسول، ج 1 ص 82، نقل از الخصال، ص 250، ح 118.

21. امالی صدوق، ص 181، ح 4، مجلس 39؛ وسائل الشیعة، ج 7، ص 100، ح 8846.